

پرسشنامه ای که در اختیار شماست، دارای تعدادی جمله است. با توجه به محتوای جمله ها پاسخ خود را در پاسخنامه وارد کنید .
الف : اگر جمله ای همیشه یا در اغلب مواقع در مورد شما درست است در پاسخنامه در مقابل شماره مربوط به آن جمله دایره " + " را
پر کنید .

ب : اگر جمله ای همیشه یا در اغلب مواقع در مورد شما درست نیست در پاسخنامه در مقابل شماره مربوط به آن جمله دایره " - " را
پر کنید .

ج : اگر جمله ای به شما مربوط نمی شود و یا چیزی است که نمی توانید در مورد آن تصمیم بگیرید در پاسخنامه در مقابل شماره
مربوط به آن جمله هیچ علامتی نگذارید .

مثال :

تذکرات :

الف - در این پرسشنامه جواب صحیح یا غلط وجود ندارد ، بنابراین طبق نظر و احساس خود پاسخ دهید .

ب - اگر به جملاتی برخوردید که به نظرتان عجیب می آید نگران نشوید و توجه داشته باشید که بعضی از جملات مربوط به
گروههای خاصی از افراد است .

ج - هنگام علامت گذاری دقت کنید که شماره جمله در پرسشنامه و پاسخنامه یکسان باشد .

د - از گذاشتن هرگونه علامتی بر روی پرسشنامه خودداری نمایید .

ه - سعی کنید در پاسخنامه در برابر همه جمله ها علامت بگذارید .

1- مجله های فنی را دوست دارم .

2- اشتهای خوبی دارم .

3- بیشتر صبحها سر حال و با نشاط از خواب بر می خیزم .

4- کار کتابداری را دوست دارم .

5- با کوچکترین صدایی از خواب بیدار می شوم .

6- پدرم مرد خوبی است ، یا (اگر پدرتان مرده است) پدرم مرد خوبی بود .

7- خواندن بخش حوادث روزنامه ها را دوست دارم .

8- معمولاً " حرارت دست و پایم در حد طبیعی است .

9- زندگی روزانه من پر از چیزهایی است که برایم جالبند .

10- تقریباً " به اندازه سابق قادر به کار کردن هستم .

11- اغلب اوقات احساس می کنم چیزی گلویم را گرفته است .

روان‌پژوهی و علوم رفتاری

تحقیقات

- 12- از زندگی جنسی ام راضی هستم .
- 13- مردم باید سعی کنند خوابهای خود را تعبیر کرده وبه آنها عمل کنند .
- 14- از داستانهای پلیسی و اسرار آمیز خوشم می آید .
- 15- در محیط کار فشار و ناراحتی زیادی احساس می کنم .
- 16- گاهی اوقات فکرهایم آنقدر بد هستند که نمی توانم درباره آنها با کسی حرف بزنم .
- 17- معتقدم که زندگی با من خوب رفتار نکرده است .
- 18- تهوع و استفراغ آزارم می دهد .
- 19- دوست دارم بفهمم دیگران درباره من چه فکر می کنند .
- 20- خیلی کم دچار یبوست می شوم .
- 21- گاهی اوقات خیلی دلم می خواهد از خانه فرار کنم .
- 22- فکر می کنم هیچکس مرا درک نمی کند .
- 23- گاهی اوقات طوری به گریه یا خنده می افتم که نمی توانم جلوی آن را بگیرم .
- 24- گاهی اوقات ارواح شیطانی مرا تسخیر می کنند .
- 25- دوست دارم یک خواننده باشم .
- 26- وقتی به دردسر می افتم ، بهترین کار برایم این است که ساکت بمانم .
- 27- معتقدم که باید جواب بدی را با بدی داد .
- 28- هفته ای چند بار ناراحتی معده اذیتم می کند .
- 29- گاهی اوقات دلم میخواد فحش بدهم .
- 30- هرچند شب یک بار خوابهای وحشتناک می بینم .
- 31- برایم مشکل است که حواسم را روی یک کار متمرکز کنم .
- 32- تجربه ها و احساسهای عجیب و غریب خاصی داشته ام .
- 33- خیلی کم نگران سلامتیم می شوم .
- 34- به خاطر رفتار جنسی ام هیچگاه به دردسر نیفتاده ام .
- 35- در گذشته گاهی چیزهایی دزدیده ام .
- 36- اغلب اوقات سرفه می کنم .
- 37- گاهی دلم میخواد چیزهایی را بشکنم .
- 38- گاهی روزها ، هفته ها ، یا ماهها بوده که دست و دلم به کاری نمی رفته است .
- 39- خوابم نامنظم و آشفته است .
- 40- بیشتر اوقات سردرد کلافه ام می کند .
- 41- گاهی دروغ می گویم .
- 42- اگر دیگران سرم کلاه نگذاشته بودند ، موفق تر بودم .

مرکز تحقیقات

روان‌پزشکی و علوم رفتاری

- 43- قدرت قضاوت من بهتر از گذشته است .
- 44- هفته ای یک یا چند بار ، بدون هیچ علتی ، ناگهان بدنم داغ می شود .
- 45- در حال حاضر وضع سلامتیم مثل بیشتر دوستانم خوب است .
- 46- معمولا" هنگام دیدن دوستان سابقم اظهار آشنایی نمی کنم ، مگر این که آنها پیشقدم شوند .
- 47- تقریبا" هیچ وقت در قلب یا قفسه سینه ام دردی نداشته ام .
- 48- بیشتر به جای پرداختن به کارهایم خیالبافی می کنم .
- 49- من فردی بسیار اجتماعی هستم .
- 50- اغلب مجبور بوده ام از کسانی اطاعت کنم که به اندازه من نمی فهمیدند .
- 51- بعضی از مطالبی را که در مدرسه خوانده ام به خاطر ندارم .
- 52- من زندگی درستی نداشته ام .
- 53- اغلب در قسمتهایی از بدنم احساس سوزش ، مورمور شدن ، یا خواب رفتگی می کنم .
- 54- خانواده ام با شغلی که دارم ، یا می خواهم انتخاب کنم موافق نیستند .
- 55- گاهی آن قدر روی چیزی پافشاری می کنم که دیگران تحمل خود را از دست می دهند .
- 56- کمتر از دیگران احساس خوشحالی می کنم .
- 57- معمولا" در پشت گردنم احساس درد می کنم .
- 58- فکر می کنم اغلب مردم برای جلب کمک و همدردی دیگران بدبختیهای خود را بزرگتر جلوه می دهند .
- 59- هرچند روز یک بار در قسمت بالای معده ام احساس ناراحتی می کنم .
- 60- وقتی با دیگران هستم شنیدن چیزهای خیلی عجیب آزارم می دهد .
- 61- من آدم مهمی هستم .
- 62- اغلب آرزو کرده ام کاش یک دختر بودم ، یا (اگر دختر هستید) هرگز از این که یک دختر هستم متاسف نبوده ام .
- 63- آدم زود رنجی نیستم .
- 64- از خواندن داستانهای عاشقانه خوشم می آید .
- 65- اکثر اوقات احساس غمگینی می کنم .
- 66- اگر اکثر قوانین دور ریخته می شد ، بهتر بود .
- 67- شعر را دوست دارم .
- 68- گاهی حیوانات را اذیت می کنم .
- 69- فکر می کنم از کاری مثل جنگلبانی خوشم بیاید .
- 70- در بحث با دیگران به آسانی شکست می خورم .
- 71- این روزها دارم از رسیدن به هدفهایم نا امید می شوم .
- 72- گاهی احساس می کنم روحم از بدنم جدا شده و به پرواز در می آید .
- 73- واقعا" اعتماد به نفس ندارم .

مرکز تحقیقات روان‌پزشکی و علوم رفتاری

- 74- دوست دارم یک گل فروش باشم .
- 75- معمولاً احساس می کنم زندگی با ارزش است .
- 76- بیشتر مردم فقط با جر و بحث فراوان حقیقت را می پذیرند .
- 77- هر چند وقت یکبار ، کار امروز را به فردا موکول می کنم .
- 78- بیشتر افرادی که مرا می شناسند ، دوستم دارند .
- 79- اهمیتی نمی دهم که مورد تمسخر دیگران واقع شوم .
- 80- دوست دارم پرستار باشم .
- 81- بیشتر مردم برای این که پیشرفت کنند دروغ می گویند .
- 82- کارهای زیادی انجام می دهم که بعداً از انجام آنها پشیمان می شوم . (من بیش از دیگران پشیمان می شوم .
- 83- خیلی کم با افراد خانواده ام دعوا می کنم .
- 84- یک یا چند بار به علت رفتار بد از مدرسه اخراج شده ام .
- 85- گاهی دلم می خواهد کارهای خطرناک و دلهره آور انجام دهم .
- 86- میهمانی ها و کارهایی را که پر از شادی و سروصدا است دوست دارم .
- 87- در زندگی مشکلاتی داشته ام که به دلیل پیچیدگی زیادشان قادر به تصمیم گیری درباره آنها نبوده ام .
- 88- معتقدم که زنها باید به اندازه مردها آزادی جنسی داشته باشند .
- 89- بیشترین گرفتاری و درگیری من با خودم است .
- 90- من پدرم را دوست دارم ، (یا اگر پدرتان مرده است) من پدرم را دوست داشتم .
- 91- خیلی کم دچار کشیدگی یا پرش عضلات می شوم .
- 92- برایم مهم نیست که چه بر سرم بیاید .
- 93- گاهی اوقات ، وقتی حالم خوب نیست ، بد اخلاق می شوم .
- 94- اغلب اوقات احساس می کنم یک کار غلط یا بد انجام داده ام .
- 95- اغلب اوقات خوشحال هستم .
- 96- حیوانات ، افراد ، یا چیزهایی را در اطراف خود می بینم که دیگران نمی بینند .
- 97- اغلب اوقات احساس می کنم که بینی ام گرفته و سرم سنگین است .
- 98- بعضی ها آن قدر امر و نهی می کنند که حتی وقتی حق با آنها است ، دلم می خواهد برخلاف خواست آنها رفتار کنم .
- 99- کسی به من حقه زده است .
- 100- هیچ وقت کار خطرناکی را به خاطر مهیج بودن آن انجام نداده ام .
- 101- اغلب احساس می کنم نوار محکمی به دور سرم بسته شده است .
- 102- گاهی عصبانی می شوم .
- 103- اگر روی یک مسابقه یا بازی شرط بندی کنم ، از آن بیشتر لذت می برم .
- 104- بیشتر مردم به این دلیل صداقت و درستی نشان می دهند که می ترسند گرفتار شوند .

- 105- گاهی در مدرسه به علت رفتار بدم پیش مدیر فرستاده شده ام .
- 106- حرف زدن من مثل همیشه است (یعنی ، تندتر ، آهسته تر ، درهم و برهم یا گرفته تر از قبل نیست).
- 107- در خانه آداب غذا خوردن را بهتر رعایت می کنم ، تا در بیرون از خانه .
- 108- کسانی که قادر به سخت کار کردن باشند، شانس بیشتری برای موفقیت دارند .
- 109- فکر می کنم به اندازه اطرافیانم ، با استعداد و زرنگ هستم .
- 110- اغلب مردم حاضرند حتی از راههای غیر عادلانه به منافع و مزایایی برسند .
- 111- معده ام خیلی ناراحتم می کند .
- 112- تئاتر و نمایش را دوست دارم .
- 113- می دانم چه کسی مسئول تمام مشکلاتم است .
- 114- گاهی وسایل شخصی دیگران ، مثل کفش و دستکش به قدری توجهم را جلب می کند که دوست دارم به آنها دست بزنم یا آنها را بدزدم، حتی اگر بدردم نخورد .
- 115- دیدن خون باعث وحشت یا بهم خوردن حالم نمی شود .
- 116- اغلب اوقات زود رنج و بد اخلاق هستم ، ولی علتش را نمی دانم .
- 117- هرگز استفراغ و سرفه همراه با خون نداشته ام .
- 118- نگران مریض شدن نیستم .
- 119- جمع آوری گلها یا پرورش گیاهان خانگی را دوست دارم .
- 120- معمولا" از آنچه به نظرم درست می رسد ، به شدت دفاع می کنم .
- 121- هرگز به اعمال جنسی ناپسند دست نزده ام .
- 122- گاهی افکارم به قدری سریع بوده که نتوانسته ام آنها را بر زبان آورم .
- 123- اگر اطمینان داشتم که کسی متوجه نخواهد شد ، بدون خریدن بلیط ، وارد سینما می شدم .
- 124- اغلب وقتی کسی کار خوبی در حق من انجام می دهد ، از خود می پرسم که از این کار چه هدفی داشته است .
- 125- معتقدم که زندگی خانوادگی من به خوبی زندگی اغلب کسانی است که می شناسم .
- 126- معتقدم که قانون باید با قاطعیت اجرا شود .
- 127- از انتقاد یا سرزنش به شدت می رنجم .
- 128- آشپزی را دوست دارم .
- 129- رفتار اطرافیانم تاثیر زیادی بر رفتار من دارد .
- 130- گاهی واقعا" احساس می کنم آدم بی مصرفی هستم .
- 131- در کودکی عضو گروهی از دوستانم بودم که سعی می کردند در تمام مشکلات به همدیگر وفادار باشند .
- 132- به زندگی پس از مرگ معتقدم .
- 133- دوست داشتم یک سرباز باشم .
- 134- گاهی دوست دارم با کسی دعوا و کتک کاری کنم .

مرکز تحقیقات

روان‌پزشکی و علوم رفتاری

- 135- اغلب به این دلیل که دیر تصمیم می گیرم ، خیلی چیزها را از دست می دهم .
- 136- وقتی در حال انجام کار مهمی هستم ، اگر کسی از من راهنمایی بخواهد یا مزاحم شود، عصبانی می شوم .
- 137- زمانی خاطرات روزانه ام را می نوشتم .
- 138- معتقدم علیه من توطئه چینی می شود .
- 139- ترجیح می دهم در بازی برنده باشم تا بازنده .
- 140- اغلب شبها بدون این که افکار یا خیالاتی ناراحت کننده ، به خواب می روم .
- 141- در طی چند سال گذشته ، اکثر اوقات حالم خوب بوده است .
- 142- هرگز دچار غش یا تشنج نشده ام .
- 143- وزنم کم و زیاد نمی شود .
- 144- فکر می کنم کسانی مرا تعقیب می کنند .
- 145- احساس می کنم اغلب بی دلیل مجازات شده ام .
- 146- به آسانی به گریه می افتم .
- 147- چیزهایی را که می خوانم به خوبی گذشته نمی فهمم .
- 148- در طول زندگی ، هرگز حالم بهتر از الان نبوده است .
- 149- گاهی احساس می کنم به بیماری خطرناکی مبتلا شده ام .
- 150- گاهی احساس می کنم که باید به خودم یا کس دیگری صدمه بزنم .
- 151- خوشم نمی آید قبول کنم کسی زیر کانه سرم را کلاه گذاشته است .
- 152- زود خسته نمی شوم .
- 153- دوست دارم برخی از افراد مهم را بشناسم ، چون این کار باعث می شود احساس کنم مهم هستم .
- 154- وقتی از یک جای بلند به پایین نگاه می کنم ، می ترسم .
- 155- اگر یکی از افراد خانواده ام با قانون درگیر شود ، عصبی نمی شوم .
- 156- فقط مواقعی که به مسافرت یا گردش می روم ، خوشحال هستم .
- 157- برایم مهم نیست که دیگران درباره ام چه فکر می کنند .
- 158- دوست ندارم در میهمانها دست به شیرین کاری بزنم ، حتی اگر دیگران نیز چیزی شبیه آن را انجام دهند .
- 159- هیچ وقت غش نکرده ام .
- 160- مدرسه را دوست داشتم .
- 161- خجالتی هستم ، و همیشه مجبورم کاری کنم که دیگران متوجه این موضوع نشوند .
- 162- کسی سعی می کند مرا مسموم کند .
- 163- ترس شدیدی از مارها ندارم .
- 164- هیچ وقت دچار سرگیجه نشده ام ، یا خیلی کم سرگیجه داشته ام .
- 165- فکر می کنم که حافظه ام خوب است .

- 166- مسائل جنسی فکرم را آزار می دهد .
- 167- گفتگو با غریبه ها برایم مشکل است .
- 168- آشنایانم می گویند در مواقعی کارهایی می کنم که بعداً نمی توانم آنها را به خاطر بیاورم .
- 169- وقتی خسته می شوم دوست دارم دست به کاری هیجان آور بزنم .
- 170- می ترسم عقلم را از دست بدهم .
- 171- با پول دادن به گداها مخالفم .
- 172- بارها متوجه شده ام که وقتی سرگرم انجام کاری هستم ، دستم می لرزد .
- 173- می توانم مدتی طولانی مطالعه کنم ، بدون این که چشمم خسته شود .
- 174- مطالعه و خواندن مطالبی در مورد کارم را دوست دارم .
- 175- بیشتر اوقات در تمام وجودم احساس ضعف می کنم .
- 176- خیلی کم دچار سردرد می شوم .
- 177- از دقت و مهارت دستهایم کاسته نشده است .
- 178- گاهی موقع دستپاچه شدن خیس عرق می شوم ، و این موضوع خیلی ناراحت می کند .
- 179- هنگام راه رفتن ، در حفظ تعادل مشکلی نداشته ام .
- 180- ذهنم خوب کار نمی کند .
- 181- من دچار تب یونجه یا حملات آسم نمی شوم .
- 182- اوقاتی برایم پیش آمده که در طی آن بر روی حرکات و صحبت کردنم کنترلی نداشتم ، ولی از آنچه در اطرافم می گذشت ، آگاه بودم .
- 183- برخی از افرادی را که می شناسم دوست ندارم .
- 184- خیلی کم خیالبافی می کنم .
- 185- کاش این قدر خجالتی نبودم .
- 186- از سر و کار داشتن با پول نمی ترسم .
- 187- اگر خبرنگار بودم ، خیلی دوست داشتم که اخبار مربوط به تئاتر را گزارش کنم .
- 188- از بسیاری از بازیها و سرگرمیها لذت می برم .
- 189- از لاس زدن خوشم می آید .
- 190- اطرافیانم با من بیشتر مثل یک بچه رفتار می کنند تا یک فرد بالغ .
- 191- دوست دارم روزنامه نگار باشم .
- 192- مادرم زن خوبی است ، یا (اگر مادر تان مرده است) مادرم زن خوبی بود .
- 193- هنگام قدم زدن خیلی دقت می کنم که پایم را روی شکافهای پیاده رو نگذارم .
- 194- هرگز جوشهایی بر روی پوستم نبوده که باعث نگرانی شود .
- 195- در خانواده من ، محبت و همکاری خیلی کمتر از خانواده های دیگر است .

- 196-دائما "نگران چیزی هستم .
- 197-فکر می کنم کار پیمان کاری ساختمان را دوست داشته باشم .
- 198-اغلب صداهایی می شنوم که نمی دانم از کجا می آیند .
- 199-من به علم علاقه مندم .
- 200-کمک خواستن از دوستان برایم مشکل نیست ، حتی اگر نتوانم این لطف آنها را جبران کنم .
- 201-شکار کردن را خیلی دوست دارم .
- 202-رفقایم اغلب مورد پسند والدینم نبودند .
- 203-گاهی کمی پشت سر دیگران غیبت می کنم .
- 204-شنوایی من به خوبی اکثر افراد است .
- 205-برخی افراد خانواده ام عاداتی دارند که باعث رنجش و دلخوری من می شود .
- 206-بعضی وقتها احساس می کنم که خیلی آسان تصمیم می گیرم .
- 207-دوست دارم عضو چند انجمن یا باشگاه باشم .
- 208-تقریباً "هیچ وقت طپش قلب یا تنگی نفس نداشته ام .
- 209-صحبت درباره مسائل جنسی را دوست دارم .
- 210-دیدن جاهایی را که قبلاً "ندیده ام دوست دارم .
- 211-وظیفه ای به من الهام شده است که تاکنون به دقت آن را دنبال کرده ام .
- 212-گاهی مانع کار کسانی شده ام که می خواسته اند آن کار را نه به خاطر اهمیتمش ، بلکه به خاطر پیروی از اصول انجام دهند .
- 213-زود عصبانی می شوم و زود هم آرام می گیرم .
- 214-خانواده ام تقریباً "هیچ تسلطی بر روی من نداشته اند .
- 215-خیلی غصه می خورم .
- 216-کسی سعی می کند چیزی را از من بدزدد .
- 217-تقریباً "تمام بستگانم مرا درک می کنند .
- 218-مواقعی بوده که آن قدر بی قرار بوده ام که نتوانسته ام یک جا بند شوم .
- 219-در عشق شکست خورده ام .
- 220-هیچ وقت نگران قیافه ام نیستم .
- 221-اغلب درباره چیزهایی خواب می بینم که نمی توان درباره آنها با کسی صحبت کرد .
- 222-تمام مسائل مهم درباره امور جنسی را باید به بچه ها یاد داد .
- 223-فکر می کنم عصبی تر از دیگران نیستم .
- 224-من دردی ندارم ، و اگر هم داشته باشم ، بسیار کم است .
- 225-کارها را طوری انجام می دهم که دیگران می توانند آن را سوء تعبیر کنند .
- 226-گاهی وقتها بدون هیچ دلیلی ، یا حتی در شرایط نامناسب ، احساس خوشی و هیجان زیادی می کنم .

227- کسانی را که دائما " به فکر پول یا مقام هستند ، سرزنش نمی کنم .
228- اشخاصی هستند که سعی می کنند افکار و عقاید مرا بدزدند .
229- مواقعی پیش می آید که گویی مغز خالی شده است ، بطوری که فعالیتهایم متوقف شده ، و از آنچه در اطرافم می گذرد آگاه نیستم .

230- با کسانی که می دانم کارشان اشتباه است ، می توانم رفتار دوستانه ای داشته باشم .

231- دوست دارم بین جمعی از افرادی باشم که مرتب جوک گفته و شوخی می کنند .

232- گاهی در انتخابات به کسانی رای می دهم که آنها را اصلا " نمی شناسم .

233- شروع کردن هر کاری برایم مشکل است .

234- فکر می کنم که یک شخص محکوم هستم .

235- در مدرسه شاگرد ضعیفی بودم .

236- اگر هنر مند بودم دوست داشتم گلها را نقاشی کنم .

237- از این که چندان خوش قیافه نیستم ، زیاد ناراحت نمی شوم .

238- حتی در هوای خنک زود عرق می کنم .

239- کاملا " اعتماد به نفس دارم .

240- گاهی نمی توانم از دزدی ، یا بلند کردن چیزی از مغازه ها خودداری کنم .

241- بهتر است آدم به کسی اعتماد نکند .

242- هفته ای یک یا چند بار هیجان زده می شوم .

243- وقتی در جمع هستم ، نمی توانم مطلب مناسبی برای گفتگو پیدا کنم .

244- معمولا " هر وقت دلم می گیرد ، یک چیز مهیج می تواند مرا از آن حالت خارج کند .

245- وقتی خانه را ترک می کنم ، در مورد قفل بودن درها و بسته بودن پنجره ها نگران نیستم .

246- معتقدم که گناهان من غیر قابل بخشش هستند .

247- یک یا چند قسمت پوستم بی حس است .

248- سوء استفاده از کسی را که خود اجازه چنین کاری را می دهد ، بد نمی دانم .

249- بینایی من به خوبی سالهای گذشته است .

250- گاهی اوقات به قدری از زرنگی بعضی از جنایتکاران خوشم آمده که آرزو کرده ام گیر نیفتند .

251- اغلب احساس می کنم که غریبه ها به دیده انتقاد آمیز به من نگاه می کنند .

252- برای من مزه همه چیز یکسان است .

253- من هر روز ، بیش از حد عادی آب می خورم .

254- بیشتر مردم به این علت با کسی دوست می شوند که ممکن است این دوستی برایشان مفید باشد .

255- به ندرت احساس کرده ام گوشه‌ایم زنگ بزند یا وزوز کند .

256- گاهی اوقات از عزیزترین کسان خود هم متفر می شوم .

روان‌پزشکی و علوم رفتاری

- 1257- اگر خبرنگار بودم دوست داشتم اخبار ورزشی را گزارش کنم .
- 1258- من در طول روز می توانم بخوابم ولی شبها قادر به خواب نیستم .
- 1259- مطمئنم که دیگران پشت سرم راجع به من صحبت می کنند .
- 1260- گاهی به شوخیهای بی ادبانه می خندم .
- 1261- در مقایسه با دوستانم ترسهای کمتری دارم .
- 1262- وقتی در جمعی از من بخواهند بحثی را شروع کنم یا مطلبی را توضیح دهم ، دستیاچه نمی شوم .
- 1263- همیشه وقتی یک جنایتکار به وسیله دفاعیات یک وکیل زرننگ آزاد می شود ، از قانون بیزار می شوم .
- 1264- در مصرف مشروبات الکلی افراط کرده ام .
- 1265- تا وقتی کسی با من حرف نزند با او صحبت نمی کنم .
- 1266- هرگز گرفتاری قانونی نداشته ام .
- 1267- اوقاتی بوده که در طی آن به طرز غیر عادی و بدون علت خاصی احساس خوشحالی می کردم .
- 1268- افکار مربوط به امور جنسی آزارم می دهد .
- 1269- وقتی چند نفر به دردسر می افتند ، بهترین کار این است که داستانی درست کرده و همه به آن بچسبند .
- 1270- دیدن آزار و اذیت حیوانات باعث ناراحتی من نمی شود .
- 1271- فکر می کنم احساساتی تر از دیگران هستم .
- 1272- هرگز در زندگی عروسک بازی را دوست نداشته ام .
- 1273- اغلب اوقات زندگی برایم رنج آور است .
- 1274- در مورد بعضی مسائل آن قدر حساسم که نمی توانم در موردشان صحبت کنم .
- 1275- در مدرسه صحبت کردن در مقابل کلاس برایم خیلی مشکل بود .
- 1276- من مادرم را دوست دارم ، یا (اگر مادرتان مرده است) ، من مادرم را دوست داشتم .
- 1277- کثر اوقات ، حتی در کنار دیگران احساس تنهایی می کنم .
- 1278- دیگران به قدر لازم با من تفاهم دارند .
- 1279- از شرکت در بازیهایی که خوب بلد نیستم خودداری می کنم .
- 1280- فکر می کنم می توانم مثل دیگران به آسانی دوست پیدا کنم .
- 1281- دوست ندارم دیگران دور و برم باشند .
- 1282- دیگران می گویند که من هنگام خواب راه می روم .
- 1283- کسی که با سهل انگاری خود دیگران را به دزدیدن اموالش وسوسه می کند ، به اندازه کسی که دزدی کرده ، مقصر است .
- 1284- فکر می کنم تقریباً " هر کسی برای این که به دردسر نیفتد ، دروغ خواهد گفت " .
- 1285- من حساس تر از اغلب مردم هستم .
- 1286- اغلب مردم باطنا " دوست ندارند که برای کمک به دیگران خود را به دردسر بیندازند " .
- 1287- بیشتر رویا هایم درباره مسائل جنسی است .

- 288- پدر و مادر و افراد خانواده ام بیش از حد از من ایراد می گیرند .
- 289- خیلی زود دستپاچه می شوم .
- 290- درباره پول و کار نگران هستم .
- 291- هیچ وقت عاشق کسی نبوده ام .
- 292- بعضی از کارهایی که افراد خانواده ام انجام داده اند ، مرا به وحشت انداخته است .
- 293- تقریباً " هیچ وقت خواب نمی بینم .
- 294- بیشتر اوقات لکه های قرمزی روی گردنم پیدا می شود .
- 295- هرگز احساس فلجی یا ضعف غیر طبیعی ، در هیچ یک عضلاتم نداشته ام .
- 296- گاهی بدون آن که سرما خورده باشم ، صدایم در نمی آید یا تغییر می کند .
- 297- اغلب پدر و مادرم مرا به اطاعت وادار می کردند ، حتی وقتی که من این کار آنها را غیر منطقی می دانستم .
- 298- گاهی بوهای ناجوری به مشامم می رسد .
- 299- نمی توانم ذهنم را روی یک موضوع متمرکز کنم .
- 300- من به دلایلی ، نسبت به یک یا چند نفر از اعضای خانواده ام حسادت می کنم .
- 301- تقریباً " همیشه درباره کسی یا چیزی نگران هستم .
- 302- خیلی زود حوصله ام از دست دیگران سر می رود .
- 303- اغلب آرزو می کنم ای کاش مرده بودم .
- 304- گاهی آن قدر هیجان زده می شوم که خوابیدن برایم مشکل می گردد .
- 305- من بیشتر از سهم خود در زندگی نگرانی داشته ام .
- 306- برای هیچ کس چندان مهم نیست که چه بر سر من می آید .
- 307- گاهی آن قدر خوب می شنوم که باعث ناراحتیم می شود .
- 308- هر چیزی را که به من می گویند بلافاصله فراموش می کنم .
- 309- معمولاً " حتی در امور جزئی ، مجبورم که قبل از اقدام صبر کرده و فکر کنم .
- 310- وقتی در خیابان آشنایانم را می بینم ، برای اجتناب از روبرو شدن با آنها به طرف دیگر خیابان می روم .
- 311- اغلب احساس می کنم چیزهای دور و برم واقعی نیستند .
- 312- تنها قسمت جالب نشریات ، بخش فکاهی آنهاست .
- 313- عادت دارم که چیزهای بی اهمیت (مانند درختها یا تیرهای چراغ برق) را بشمارم .
- 314- دشمنی ندارم که واقعا " بخواهد به من صدمه بزند .
- 315- با کسانی که دوستانه تر از حد معمول به نظر می رسند ، با احتیاط رفتار می کنم .
- 316- افکار غیر عادی و عجیب و قریبی دارم .
- 317- دور شدن از خانه ، حتی برای مسافرت های کوتاه ، مرا مضطرب و ناراحت می کند .
- 318- معمولاً " انتظار دارم در کارهایی که انجام می دهم ، موفق شوم .

- 319- هنگامی که تنها هستم ، چیزهای عجیب و غریبی می شنوم .
- 320- گاهی از افراد یا چیزهایی می ترسم که می دانم صدمه ای به من نمی زنند .
- 321- از تنها وارد شدن به اتاقی که یک عده در آن مشغول صحبت هستند ، احساس ترس و ناراحتی نمی کنم .
- 322- از به کار بردن چاقو یا هر چیز برنده و نوک تیز می ترسم .
- 323- گاهی از آزار رساندن به کسی که خیلی دوستش دارم ، لذت می برم .
- 324- به آسانی می توانم دیگران را از خودم بترسانم ، و گاهی برای شوخی این کار را می کنم .
- 325- برای من تمرکز حواس مشکلتر از دیگران است .
- 326- بارها اتفاق افتاده که از انجام کاری منصرف شده ام ، زیرا توانایی انجام آن را در خود ندیده ام .
- 327- کلمات بد و خیلی زشتی به ذهنم خطور می کند و نمی توانم از شر آنها خلاص شوم .
- 328- گاهی افکار بی اهمیتی به ذهنم هجوم می آورند و تا چند روز مرا ناراحت می کنند .
- 329- تقریباً " هر روز چیزهایی اتفاق می افتد که مرا می ترساند .
- 330- گاهی سرشار از انرژی هستم .
- 331- معمولاً " کارها را سخت می گیرم .
- 332- گاهی از آزار دیدن به وسیله کسی که دوستش دارم ، لذت می برم .
- 333- مردم درباره من چیزهای زشت و توهین آمیزی می گویند .
- 334- در جاهای بسته احساس ناراحتی می کنم .
- 335- زیاد خود پسند نیستم .
- 336- کسی فکر و ذهن مرا کنترل می کند .
- 337- در میهمانیها بیشتر اوقات به جای این که داخل جمع شوم ، ترجیح می دهم تنها یا فقط با یک نفر بنشینم .
- 338- بیشتر اوقات رفتار مردم برخلاف انتظار من است .
- 339- گاهی احساس کرده ام مشکلاتم آن قدر زیاد شده اند که نمی توانم بر آنها غلبه کنم .
- 340- دید و بازدید از آشنایان را دوست دارم .
- 341- گاهی ذهنم کند تر از حد معمول کار می کند .
- 342- در اتوبوس ، قطار و غیره ، اغلب با غریبه ها صحبت می کنم .
- 343- بچه ها را دوست دارم .
- 344- از شرط بندی روی چیزهای کوچک خوشم می آید .
- 345- اگر امکاناتی فراهم شود ، می توانم کاری انجام دهم که برای مردم بسیار سودمند باشد .
- 346- اغلب به افراد به اصطلاح متخصصی برخورده ام ، که به اندازه من کار بلد نبودند .
- 347- وقتی می شنوم یکی از آشنایانم به موفقیتی رسیده است ، احساس شکست می کنم .
- 348- اغلب آرزو می کنم ای کاش بچه بودم .
- 349- خوش ترین ساعات زندگیم وقتی است که تنها باشم .

روان‌پزشکی و علوم رفتاری

- 350- اگر به من فرصت دهند ، رهبر خوبی برای مردم می شوم .
- 351- از شنیدن داستانها و جوکهای بی ادبانه خجالت می کشم .
- 352- معمولا " مردم بیش از آن چه به دیگران احترام می گذارند ، توقع احترام دارند .
- 353- از میهمانها فقط به این دلیل که با مردم هستم لذت می برم .
- 354- سعی می کنم داستانهای خوبی را به خاطر بسپارم تا بتوانم به دیگران بازگو کنم .
- 355- یک یا چند بار در زندگی احساس کرده ام فردی به وسیله هیپنوتیزم مرا وادار به انجام کارهایی کرده است
- 356- زمانی که مشغول انجام کاری هستم ، نمی توانم حتی برای یک لحظه آن را کنار بگذارم .
- 357- اغلب در غیبت کردن و عیب جویی های اطرافیانم شرکت نمی کنم .
- 358- اغلب ، دیگران نسبت به فکر های خوب من حسادت می کنند ، فقط به این دلیل که این فکرها قبلا" به ذهن خود آنها نرسیده بود .
- 359- از شور و هیجان در یک جمع لذت می برم .
- 360- از ملاقات با آدمهای غریبه ناراحت نمی شوم .
- 361- کسی سعی دارد روی فکر من تاثیر بگذارد .
- 362- یادم می آید گاهی برای خلاص شدن از گرفتاری ، خودم را به مریضی زده ام .
- 363- هنگامی که در جمع دوستان شاد و سر زنده هستم ، نگرانیهام بر طرف می شود .
- 364- هنگامی که کاری خوب پیش نمی رود ، دلم می خواهد آن کار را فوراً" کنار بگذارم .
- 365- دوست دارم دیگران بدانند من بر کارها مسلط هستم .
- 366- مواقعی بوده که به قدری سرشار از انرژی بوده ام که چند روزی نیاز به خواب نداشتم .
- 367- هر وقت امکان داشته باشد از حضور در میان جمعیت پرهیز می کنم .
- 368- از روبرو شدن با گرفتاری یا مشکل شانه خالی می کنم .
- 369- هنگامی که می خواهم کاری انجام دهم و دیگران می گویند که ارزش انجام دادن ندارد ، آن را کنار می گذارم .
- 370- میهمانها و اجتماعات را دوست دارم .
- 371- اغلب آرزو می کنم که ای کاش از جنس مخالف بودم .
- 372- زود عصبانی نمی شوم .
- 373- در گذشته کارهای زشتی انجام داده ام که هرگز درباره آنها با کسی صحبت نکرده ام .
- 374- اغلب مردم برای پیشرفت در زندگی ، تا حدی از روشهای غیرعادلانه استفاده می کنند .
- 375- هنگامی که دیگران سوالات خصوصی از من می پرسند ، عصبی می شوم .
- 376- فکر می کنم نمی توانم برای آینده ام برنامه ریزی کنم .
- 377- از خودم ، با وضع و حالی که فعلا" دارم ، راضی نیستم .
- 378- زمانی که خانواده دوستانم در مورد زندگیم مرا نصیحت می کنند ، عصبانی می شوم .
- 379- در بچگی زیاد تنبیه بدنی شده ام .

- 380- هنگامی که دیگران از من تعریف می کنند ، ناراحت می شوم .
- 381- دوست ندارم نظر دیگران را در مورد زندگی بشنوم .
- 382- اغلب ، با افرادی که به من نزدیک هستند ، اختلاف نظر جدی دارم .
- 383- وقتی که واقعا" کارها بد پیش می رود ، می دانم که می توانم روی کمک خانواده ام حساب کنم .
- 384- در بچگی میهمان بازی را دوست داشتم .
- 385- از آتش نمی ترسم .
- 386- گاهی از سایرین دوری می کنم ، چون می ترسم پیش آنها کاری بکنم یا حرفی بزنم که بعدا" پشیمان شوم
- 387- من گاهی مشروب می خورم ، و فقط در این مواقع است که می توانم احساس واقعیم را بیان کنم .
- 388- خیلی کم دوره های غمگینی داشته ام .
- 389- اغلب می گویند که من آدم جوشی و تند خویی هستم .
- 390- از این که در گذشته بعضی حرفهایم ممکن است دیگران را رنجانده باشد ، ناراحتم .
- 391- احساس می کنم نمی توانم همه چیزها را درباره خودم به کسی بگویم .
- 392- رعد و برق یکی از چیزهایی است که از آن می ترسم .
- 393- دوست دارم مردم را درباره کارهای بعدیم در حال حدس و گمان نگه دارم .
- 394- اغلب نقشه هایی که در گذشته کشیده ام ، آن قدر پر اشکال بوده که مجبور شده ام از آنها صرف نظر کنم
- 395- از تنها ماندن در تاریکی می ترسم .
- 396- اغلب اوقات وقتی خواستم جلوی اشتباه کسی را بگیرم ، نگران این بوده ام که مبادا فکر کند نیت بدی دارم .
- 397- طوفان مرا به وحشت می اندازد .
- 398- اغلب از دیگران راهنمایی می خواهم .
- 399- آینده هر فرد نا مطمئن تر از آن است که بتواند برای آن نقشه های جدی در نظر بگیرد .
- 400- اغلب اوقات حتی زمانی که همه چیز خوب پیش می رود ، احساس می کنم هیچ چیز برایم مهم نیست .
- 401- از آب نمی ترسم .
- 402- اغلب برای تصمیم گیری در مورد کاری باید مدتهای طولانی روی آن فکر کنم .
- 403- وقتی خواسته ام به کسی خوبی کرده و کمکش کنم ، اغلب در مورد نیت من دچار سوء تفاهم شده است .
- 404- مشکلی در بلعیدن ندارم .
- 405- معمولا" آرام هستم و به آسانی عصبانی نمی شوم .
- 406- مطمئنا" از ضربه زدن به مجرمین ، به شیوه خودشان ، لذت خواهم برد .
- 407- به دلیل گناهایی که مرتکب شده ام ، سزاوار مجازات سختی هستم .
- 408- از شکستها چنان ناراحت می شوم که نمی توانم آنها را از ذهنم بیرون کنم .
- 409- از این که هنگام کار کردن کسی مرا نگاه کند ناراحت می شوم ، حتی زمانی که می دانم می توانم آن کار را به خوبی انجام

- 410- اگر کسی در صف از من جلو بزند ، آن قدر ناراحت می شوم که به او اعتراض می کنم .
- 411- گاهی فکر می کنم به درد هیچ کاری نمی خورم .
- 412- در دوران مدرسه ، اغلب غیبت می کردم .
- 413- یک یا چند نفر از افراد خانواده ام ، آدمهایی بسیار عصبی هستند .
- 414- گاهی مجبور شده ام با افراد گستاخ و مزاحم رفتار خشنی داشته باشم .
- 415- درباره بدبختیهای احتمالی آینده نگرانم .
- 416- عقاید سیاسی محکمی دارم .
- 417- دوست دارم در مسابقات اتومبیل رانی شرکت کنم .
- 418- استفاده از حقه های قانونی ، به شرط آن که منجر به قانون شکنی نشود ، اشکالی ندارد .
- 419- عده ای هستند که من از آنها آن قدر متنفرم که وقتی رفتاری برایشان پیش می آید ، عمیقاً خوشحال می شوم .
- 420- انتظار کشیدن مرا عصبانی می کند .
- 421- اگر دیگران فکر کنند که من کاری را درست انجام نمی دهم ، آن کار را کنار می گذارم .
- 422- کوچکتر که بودم ، شیفته شور و هیجان بودم .
- 423- برای غلبه بر رقیب خود ، حاضرم هر کاری بکنم .
- 424- از این که مردم در خیابان ، فروشگاه ، و ... مرا نگاه کنند ناراحت می شوم .
- 425- مردی که در دوران کودکی از من نگهداری می کرد (مانند پدر یا ناپدری) نسبت به من خیلی سخت گیر بود .
- 426- لی لی و طناب بازی را دوست داشتم .
- 427- تا بحال هرگز یک شیخ ندیده ام .
- 428- تاکنون چندین بار نظرم را درباره شغل دائمی خود تغییر داده ام .
- 429- هرگز بدون تجویز پزشک ، دارو یا قرص خواب آور مصرف نمی کنم .
- 430- اغلب از این که بد اخلاق و زود رنج هستم تاسف می خورم .
- 431- در مدرسه همیشه نمره انضباطم بد بود .
- 432- من شیفته آتش هستم .
- 433- هنگامی که مجبور باشم ، تنها آن قسمت از حقیقت را می گویم که برای خودم ضرری نداشته باشد .
- 434- اگر من با چند تن از دوستانم دچار گرفتاری می شدیم ، و همه به یک اندازه مقصر بودیم ، ترجیح می دادم که همه تقصیرها را خودم بر عهده بگیرم ، اما دوستانم را لو ندهم .
- 435- اغلب اوقات از تاریکی می ترسم .
- 436- هنگامی که مردی زنی را ملاقات می کند ، معمولاً "به جنبه های جنسی زن فکر می کند .
- 437- معمولاً" با افرادی که می خواهم آنها را راهنمایی یا اصلاح کنم ، بسیار رک هستم .
- 438- از تصور وقوع یک زمین لرزه به وحشت می افتم .
- 439- بلافاصله یک نظر یا فکر خوب را صد در صد قبول می کنم .

- 440- معمولاً "به جای راهنمایی خواستن از دیگران ترجیح می دهم خودم کارها را حل و فصل کنم .
- 441- از این که در محل در بسته و یا جایی شبیه انباری باشم ، می ترسم .
- 442- باید قبول کنم که گاهی بی دلیل درباره چیزهایی واقعا "بی اهمیت نگران شده ام .
- 443- هرگز نظر بد یا احساس ترحم خودم را نسبت به دیگران پنهان نمی کنم ، ولو آن که از من برنجد .
- 444- من آدم بسیار حساسی هستم .
- 445- غالباً "زیر دست کسانی کار کرده ام که کارها را طوری جور می کنند که امتیازها نصیب خودشان شود ، اما بتوانند اشتباهات را به گردن زیر دستان خود بیاندازند .
- 446- چون آدم کمرویی هستم ، گاهی دفاع از حقم برایم سخت است .
- 447- از دیدن زباله منزجر و یا وحشتزده می شوم .
- 448- در عالم رویا برای خود یک زندگی خیالی ساخته ام ، که در باره آن با دیگران حرف نمی زنم .
- 449- بعضی از افراد خانواده ام تند خو هستند .
- 450- نمی توانم هیچ کاری را خوب انجام دهم .
- 451- از این که اغلب اوقات احساس تاسفم را بیش از آنچه واقعا " هست نشان می دهم ، احساس گناه می کنم .
- 452- معمولاً " قاطعانه از عقاید خودم دفاع می کنم .
- 453- از عنکبوت نمی ترسم .
- 454- به آینده امیدی ندارم .
- 455- اعضای خانواده و بستگان نزدیکم روابط خوبی با هم دارند .
- 456- دوست دارم لباسهای گران قیمت بپوشم .
- 457- حتی وقتی در مورد موضوعی تصمیم گرفته ام ، دیگران می توانند نظرم را به آسانی تغییر دهند .
- 458- از دیدن بعضی حیوانات ناراحت می شوم .
- 459- می توانم به اندازه دیگران درد را تحمل کنم .
- 460- چندین بار من آخرین نفری بوده ام که از تلاش برای انجام کاری دست کشیده ام .
- 461- از این که دیگران مرا وادار به عجله کنند ، عصبانی می شوم .
- 462- از موش نمی ترسم .
- 463- هفته ای چند بار احساس می کنم که گویی اتفاق خطرناکی در حال وقوع است .
- 464- اغلب اوقات احساس خستگی می کنم .
- 465- تعمیر کردن قفل درب را دوست دارم .
- 466- گاهی مطمئنم که دیگران می توانند افکارم را بخوانند .
- 467- دوست دارم مطالب علمی بخوانم .
- 468- از تنها بودن در یک مکان وسیع و سرباز می ترسم .
- 469- گاهی احساس می کنم که دارم متلاشی می شوم .

- 470- تعداد زیادی از مردم مرتکب رفتارهای جنسی ناپسند می شوند .
- 471- بارها در اواسط شب وحشت زده شده ام .
- 472- از این که فراموش کنم اشیاء را کجا گذاشته ام ، بسیار ناراحت می شوم .
- 473- کسی که در بچگی بیش از همه به او دلبسته بودم و بیشتر از هر کس دیگری او را تحسین می کردم ، یک زن بود (مادر ، خواهر ، عمه ، یا زن دیگری)
- 474- داستانهای ماجراجویانه را بیشتر از داستانهای عشقی دوست دارم .
- 475- اغلب گیج شده و فراموش می کنم که چه می خواستم بگویم .
- 476- من آدم بسیار دست و پا چلفتی هستم .
- 477- انجام ورزشهای خشن (مثل بوکس) را واقعا " دوست دارم .
- 478- از همه اعضاء خانواده ام متنفرم .
- 479- بعضی ها فکر می کنند که شناختن من مشکل است .
- 480- بیشتر اوقات فراغتم را به تنهایی می گذرانم .
- 481- وقتی دیگران کاری می کنند که باعث خشم من می شود ، نارضایتی خودم را نسبت به کارشان بیان می کنم .
- 482- معمولا " تصمیم گیری برایم سخت است .
- 483- مردم مرا آدم جذابی نمی دانند .
- 484- مردم با من خیلی مهربان نیستند .
- 485- اغلب احساس می کنم که به خوبی دیگران نیستم .
- 486- من خیلی لجوج هستم .
- 487- مصرف حشیش برایم لذت بخش بوده است .
- 488- بیماری روانی نشانه ضعف فرد است .
- 489- من گرفتار مواد مخدر یا الکل هستم .
- 490- ارواح یا اشیاء می توانند مردم را در جهت خوب یا بد تحت تاثیر قرار دهند .
- 491- وقتی مجبورم تصمیمات مهمی بگیرم ، احساس در ماندگی می کنم .
- 492- همیشه سعی می کنم خوشحال باشم ، حتی زمانی که دیگران ناراحت هستند یا ایراد می گیرند .
- 493- هنگامی که با مشکلی مواجه می شوم ، در میان گذاشتن آن با دیگران کمک می کند .
- 494- به اهداف اصلی خود در زندگی رسیده ام .
- 495- معتقدم که مردم باید مشکلات شخصیشان را برای خود نگه دارند .
- 496- این روزها احساس فشار یا استرس زیادی نمی کنم .
- 497- فکر این که تغییراتی در زندگی بدهم ، ناراحت می کند .
- 498- بزرگترین مشکل من ناشی از رفتار یکی از نزدیکترین کسانم است .
- 499- از رفتن به دکتر متنفرم ، حتی موقعی که مریض هستم .

- 500- با این که از زندگیم راضی نیستم ، اما در این مورد کاری از دستم بر نمی آید .
- 501- برای کاهش مشکلات و نگرانیها ، صحبت کردن با دیگران مفید تر از دارو خوردن است .
- 502- من عاداتهای واقعا " مضرى دارم .
- 503- مواقعی که مشکلاتی پیش می آید ، ترجیح می دهم ترجیح می دهم ، که دیگران به حل آن پردازند .
- 504- معایبی دارم که نمی توانم آنها را از بین ببرم .
- 505- کارهای روزمره زندگی آن قدر حالم را به هم می زند که دلم می خواهد همه آنها را رها کنم .
- 506- تاز گیها به فکر خودکشی افتاده ام .
- 507- هنگامی که دیگران مزاحم کارم می شوند ، اغلب بسیار بد اخلاق می شوم .
- 508- اغلب احساس می کنم که می توانم فکر دیگران را بخوانم .
- 509- در مواقعی که مجبورم تصمیمات مهمی بگیرم ، عصبانی می شوم .
- 510- دیگران می گویند که من خیلی تند غذا می خورم .
- 511- هفته ای یک بار یا بیشتر مست یا نشئه می شوم .
- 512- کسی یا چیزی پر ارزشی را از دست داده ام که هرگز آن را فراموش نخواهم کرد .
- 513- گاهی آن قدر خشمگین و ناراحت می شوم که حال خودم را نمی فهمم .
- 514- قبول نکردن کاری که دیگران از من می خواهند برایم مشکل است .
- 515- خوشترین اوقات من زمانی است که تنها هستم .
- 516- زندگیم پوچ و بی معنی است .
- 517- نمی توانم در شغلی برای مدت طولانی بمانم .
- 518- در زندگی اشتباهات زیادی داشته ام .
- 519- از این که در برابر دیگران زیاد تسلیم می شوم ، ناراحتم .
- 520- تاز گیها درباره خودکشی زیاد فکر می کنم .
- 521- تصمیم گیری به جای دیگران و تعیین شغل برای آنها را دوست دارم .
- 522- حتی اگر خانواده ام نباشد ، می دانم که همیشه کسی از من مراقبت خواهد کرد .
- 523- از ایستادن در صف جاهایی مثل سینما ، رستوران ، مکانهای ورزشی ، و ... متنفرم .
- 524- من سعی کرده ام خود را بکشم ، اما هیچ کس این موضوع را نمی داند .
- 525- همه چیز در اطرافم بسیار سریع می گذرد .
- 526- می دانم که سربار دیگران هستم .
- 527- بعد از یک روز بد ، معمولا " به مشروب نیاز دارم .
- 528- بیشتر مشکلات من از بد شانسی است .
- 529- گاهی به نظر می رسد که نمی توانم حرف زدنم را قطع کنم .
- 530- گاهی بدون این که علتش را بدانم ، عمدا " خودم را زخمی می کنم .

- 531- من ساعتهای طولانی کار می کنم ، حتی اگر شغلم ایجاب نکند .
- 532- معمولاً" پس از این که خوب گریه می کنم ، احساس می کنم که حالم بهتر شده است .
- 533- فراموش می کنم که چیزها را کجا می گذارم .
- 534- اگر می توانستم دوباره زندگی کنم ، تغییر زیادی در آن نمی دادم .
- 535- اگر افرادی که به آنها اعتماد کرده ام کارهایشان را سر وقت انجام ندهند ، بسیار کج خلق می شوم .
- 536- به دنبال هر ناراحتی ، سردرد می گیرم .
- 537- از انجام دادن معامله ای که در آن به طرف مقابل کلک بزنم ، خوشم می آید .
- 538- اغلب مردها هرچند وقت یک بار به همسرشان خیانت می کنند .
- 539- اخیراً" نسبت به حل مشکلاتم بی علاقه شده ام .
- 540- یک بار به دنبال مشروب خوردن ، عصبانی شده و ظروف و اثاثیه را شکسته ام .
- 541- اگر برای انجام کاری محدودیت زمانی داشته باشم ، آن را بهتر انجام می دهم .
- 542- یک بار به قدری از دست کسانی عصبانی شده ام که احساس کرده ام دارم منفجر می شوم .
- 543- گاهی افکار وحشتناکی در مورد خانواده ام به ذهنم می آید .
- 544- دیگران می گویند که من به مشروب معتاد هستم ، اما خودم موافق نیستم .
- 545- برای انجام کارهایم همیشه وقت کم می آورم .
- 546- این روزها دائماً" به مرگ و زندگی پس از آن فکر می کنم .
- 547- بیشتر اوقات چیزهایی را هم که ممکن است هرگز به درد نخورد ، نگه می دارم .
- 548- گاهی آن قدر عصبانی شده ام که در حین دعوا به کسی صدمه زده ام .
- 549- اخیراً" احساس می کنم در هر کاری که انجام می دهم مورد آزمایش قرار می گیرم .
- 550- در حال حاضر ارتباط زیادی با بستگانم ندارم .
- 551- گاهی به نظرم می رسد افکارم را که با صدای بلند بیان می شوند ، می شنوم .
- 552- هنگامی که غمگین هستم ، معمولاً" با دیدار دوستانم ناراحتیم از بین می رود .
- 553- به نظر می رسد هرچه که الان برایم رخ می دهد ، قبلاً" نیز برایم رخ داده است .
- 554- هر وقت زندگی برایم سخت می شود ، جز تسلیم چاره ای نمی بینم .
- 555- حتی در خانه خودم ، به تنهایی نمی توانم به یک اتاق تاریک بروم .
- 556- فکر پول و درآمد ذهنم را خیلی به خود مشغول کرده است .
- 557- مرد باید رییس خانواده باشد .
- 558- فقط در خانه خودم احساس آرامش می کنم .
- 559- افرادی که با آنها کار می کنم ، مشکلات مرا درک نمی کنند .
- 560- از درآمدم راضی هستم .
- 561- معمولاً" برای انجام کارهایم انرژی کافی دارم .

- 562 تعریف و تمجید دیگران از من ، ناراحتی می کند .
- 563 در اغلب ازدواجها ، یک یا هر دو طرف ناخشنودند .
- 564 تقریباً "هیچ وقت کنترل خود را از دست نمی دهم .
- 565 این روزها به خاطر سپردن گفته های دیگران برایم مشکل است .
- 566 غمگینی یا ناراحتی به کارم لطمه می زند .
- 567 بیشتر زوجهای متاهل نسبت به هم علاقه زیادی نشان نمی دهند .



مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری